

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۸

شهید و جانباز در شعر ابراهیم طوقان شاعر مقاومت فلسطین* (علمی- پژوهشی)

دکتر حسین کیانی

استادیار دانشگاه شیراز

دکتر سید فضل الله میرقادی

استادیار دانشگاه شیراز

چکیده

ادبیات مقاومت در پیوند با اختلاف و نزاع و درگیری بین دو طرف به وجود می آید. پیشینه این وقوع و درگیری به ابتدای پدید آمدن انسان برمی گردد و چون ادبیات نهادی اجتماعی است و از زبان که نهاد دیگری است، به عنوان ابزار استفاده می کند، با پایداری فردی و اجتماعی گره می خورد. ناقدان معاصر بر این باورند که مهمترین بازده ادبی جنگ اعراب و اسرائیل، پیدایش ادبیات مقاومت فلسطین است. ابراهیم طوقان نابلسی از شاعران مشهور مقاومت فلسطین است که قصاید زیادی از دیوانش به مقاومت اختصاص دارد و هشت درصد (۹۹ قصیده) از اشعارش درباره شهید و جانباز است در این مقاله جهت پاسخ به این سؤال که ابراهیم طوقان چه تصویری از شهید و جانباز ارائه می دهد و شهید و جانباز در شعر او چه ویژگی هایی دارد، پس از تحلیل آن اشعار، ویژگی های شهید و جانباز (۲۲ ویژگی) استخراج و سپس نتیجه گیری شده است.

واژگان کلیدی

ابراهیم طوقان، مقاومت، فلسطین، شهید، جانباز.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۶/۱۴ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۸۸/۹/۳۰

نشانی پست الکترونیک نویسنده: _____

۱- مقدمه

ادبیات مقاومت، آرمان فلسطین، شهید و جانباز واژه‌هایی هستند که آبشخورشان حفظ کرامت انسانی است. انسان‌هایی واقع بین و کمال گرا پس از رویارویی با ستم و بیداد در فلسطین یا خارج از آن به دنبال اجرای رسالت انسانی خویش حرکت می‌کنند. شاعری احساس گر، عاطفه‌ صادق و سیال خویش را در قالب کلماتی آتشین ریخته و از سویی توجه همگان را به طغیان و بیداد جلب کرده و از دیگر سو، انجام وظیفه و حفظ کرامت انسانی را به آنان یادآور می‌شود.

ابراهیم طوقان از جمله شاعرانی است که با شعر لطیف و رسایش شهید و جانباز را می‌ستاید و از زبان آنان سخن می‌گوید و ویژگی‌هایشان را برمی‌شمارد تا همگان بدانند که چرا برگزیدگان جامعه بشری این گونه راه‌خدایی را برگزیده‌اند.

در این مقاله به دنبال پاسخ به دو سؤال هستیم: ۱- چه میزانی از اشعار ابراهیم طوقان درباره شهید و جانباز است؟ ۲- شهید و جانباز در شعر ابراهیم طوقان دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟ ابتدا با نگاهی به ادبیات مقاومت و تاریخچه آن، مقاومت فلسطین و انعکاس آن در شعر عربی تبیین شده، سپس به زندگی و شعر ابراهیم طوقان نظری انداخته و به تحلیل اشعار او درباره شهید و جانباز پرداخته ایم و از خلال آن اشعار، ویژگی‌های شهید و جانباز استخراج و نتیجه‌گیری شده است.

۲- ادبیات مقاومت

ادبیات مقاومت، معمولاً به آثاری اطلاق می‌شود که زیر تأثیر شرایطی چون اختناق، استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غصب و غارت سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی... شکل می‌گیرد. بنابراین، جان‌مایه این آثار مبارزه با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است (حسام پور، ۱۳۸۷: ۱۲۱-۱۲۲).

ادبیات مقاومت در پیوند با اختلاف و نزاع و درگیری بین دو طرف به وجود می‌آید، پیشینه وقوع درگیری به زمان‌هاییل و قایل و نزاع میان آن دو برمی‌گردد. و روشن است که به واسطه وقوع درگیری و نزاع به محض تهاجم یک طرف، طرف مقابل موضع مقاومت در پیش خواهد گرفت، به عبارت دیگر، وقوع درگیری به طور طبیعی پدیده تهاجم و مقابله را در پی خواهد داشت، و هر قدر دامنه جنگ گسترده

و میزان پیچیدگی و پیشرفت آن بیشتر باشد، دو مقوله تهاجم و مقاومت پر نمودتر، خواهد شد.

پس از جنگ و درگیری و پدیده مقاومت، نوبت به ادبیات مقاومت می رسد. تا ملت ها به واسطه آن بتوانند اندیشه ها، از خود گذشتگی ها و مفاخر تاریخ مقاومت خود را در ادبیات نشان دهند. پس به دنبال تهاجم، مردم یک سرزمین به واسطه غریزه حب به وطن موضوع پایداری را در پیش می گیرند و در این میان ادیبان و شاعران نقش پر رنگ تری در پیدایش ادبیات مقاومت دارند، و از ادبیات برای تشویق و تشجیع مردم به نجات و دفاع از ارزش های ملی و دینی در برابر مهاجمانی که در پی تحمیل قدرت خود هستند، استفاده می کنند.

هنر و ادبیات این قابلیت را دارند که یا همسو با جریان مسلط فکری و فرهنگی و در جهت توجیه یا تایید آن عمل کنند و یا نسبت به آن عملکردی اعتراضی داشته باشند. این قابلیت ادبیات هم در حوزه فنی قابل بررسی است و هم در حوزه مضامینی که به واسطه ادبیات امکان ظهور می یابند. جدای از این که ادبیاتی که شکل های رایج را در هم می ریزد و قالب های متفاوتی در پیش می گیرد، به ادبیات پایداری تعلق داشته باشد یا نه، در نفس خود نوعی ادبیات اعتراض است (تندرو صالح، ۷۹: ۱۳۸۲).

نخستین نمودهای مقاومت انسان در ادبیات را می توان در اسطوره ها و حماسه های ادبی دید، چنانکه در ادبیات یونان باستان، مفهوم اسطوره با جنگ خدایان با قهرمانان یا مصایب و سختی هایی که در برابر اقوام کهن گذشته است، گره خورده است (داد، ۱۳۸۳: ۳۴).

اگر بپذیریم که ادبیات نهادی اجتماعی است و از زبان که خود نهاد اجتماعی دیگری است، به عنوان ابزار بیان استفاده می کند، در این صورت با پایداری فردی و اجتماعی گره می خورد و چون در نگاه فلسفی، فردیت فرد نیز با عواملی شکل می گیرد که یکی از آن ها جامعه است، می توان جامعه، پایداری و ادبیات را زوایای مثلث سه گانه زندگی انسان در سده های حیات او بر کرة زمین دانست (فضیلت، ۱۳۸۷، ص ۴۰۵).

ریشه ادبیات مقاومت در فرهنگ همه ملل و دوره های تاریخی وجود دارد، چنان که در ادبیات عربی «مقاومت به طور آشکار در شعر جاهلی وجود داشته است. مقاومت در برابر شرایط سخت طبیعی، جنگ با امپراتوری ایران و روم، و رویارویی

با مرفهان بی دردی که از احوال نیازمندان خبر نداشتند، از جمله مضامین شعر پایداری در دوره جاهلی است.» (سعدقندیل، ۲۰۰۴: ۶).

اما در صدر اسلام نخستین نشانه های ادبیات پایداری را می توان در قصیده های ابوطالب (ع) در ستایش و دفاع از ساحت پیامبر اکرم و مسلمانان یافت، و همچنین، نخستین سروده ای که در تاریخ اسلام در صحنه نبرد ثبت شده است، از آن حمزه سیدالشهداء است. در جنگ ها و غزوه ها، شاعرانی مانند حسان بن ثابت انصاری به ستایش یاران پیامبر و هجو و بدگویی دشمن می پرداختند (ایزدپناه، ۱۳۸۲: ۳۰۰).

۳- مقاومت فلسطین و شعر عربی

تهدید صهیونیست ها علیه فلسطین به سال های ۱۸۳۹ و بعد از آن بر می گردد. در همین سال «عبدالحمید» سلطان عثمانی (۱۸۳۹-۱۸۶۱) انتصاب یک رهبر منتخب برای جامعه یهودیان (خاخام) را رسماً پذیرفت و به دنبال آن تعدادی از یهودیان به حکومت رسیدند، چند سال بعد یعنی در سال ۱۸۵۵ «سرموس مونته فیوری» (۱۷۸۴-۱۸۸۵) جوانی از یک خانواده قدیمی یهودی ایتالیایی، ملکی در نزدیکی «یافا» خرید و از این زمان بود که استعمار فلسطین توسط یهودیان آغاز شد. در سال ۱۸۶۱ «انجمن اسرائیلی لندن برای مهاجرت به سرزمین مقدس» در لندن پا گرفت. بعد از این سال اتفاق های فراوانی در پیوند با تهدید صهیونیست ها در فلسطین روی داد که خالد سلیمان در فصل اول کتاب خود به عنوان «فلسطین و شعر معاصر عرب» آن ها را مورد بررسی قرار داده است. (سلیمان، ۱۳۷۶: ۷-۱۵).

پژوهش ها نشان می دهد که اندیشه ادیبان و شاعران عرب تا قبل از اعلامیه «بالفور» در سال ۱۹۱۷ به تحولات سیاسی ترکیه معطوف بود. به گونه ای که «لوئیس شیخویسوعی» (۱۸۵۹-۱۹۲۷) در روزنامه مشرق حدود ۷۰ شعر از بیش از ۵۰ شاعر سوری، مصری، تونسسی، مهاجری چاپ کرد که همگی این شعر ها به انقلاب ترک های جوان در سال ۱۹۰۸ و بر کناری «سلطان عبدالحمید» در سال ۱۹۰۹ اشاره داشتند. (سلیمان، ۱۳۷۶: ۱۶).

«در اوایل قرن بیستم موضوعات شعر فلسطین، محدود به اخوانیات، مدایح دروغین و وصف پیشآمدهای اجتماعی مختلف بود و در واقع، تکرار معانی شعر کهن و تشبیهات و استعاره های ساده بود. در این زمان شعر فلسطین دور از درد ها و آرزوهای بشری بود و از آرامش فکری و روانی برخوردار بود.» (صدوق، ۲۰۰: ۳۵).

با وجود بی توجهی شاعران عرب زبان به مسأله تهدید فلسطین، در همان زمان پاره ای از اشعار شاعران فلسطینی به بازتاب ترس و نگرانی آنان از آینده سرزمین فلسطین اشاره داشت که از جمله این شاعران می توان به محمد اسعاف نشاشیبی (۱۸۸۵-۱۹۴۸) اشاره کرد که او را به عنوان نخستین شاعری می شناسند که درباره تهدید صهیونیست ها علیه فلسطین شعر سرود، این شعر به عنوان «فلسطین و استعمار نو» در اکتبر سال ۱۹۱۰ در روزنامه «الفئاس العصریه» به چاپ رسید. و در سال ۱۹۱۲ «سلیمان تاجی فروغی» در مخمس آگاهی خود را از تهدید صهیونیست ها، آشکار ساخت. (سلیمان، ۱۳۷۶: ۱۹-۱۷) از زمان صدور اعلامیه «بالفور» در سال ۱۹۱۷ تا زمان به رسمیت شناختن اسرائیل در سال ۱۹۴۸ کشمکش فلسطینی ها با یهودیان و دولت قیم موضوع اصلی شعرهای فلسطینی قرار گرفت.

«خلیل السکاکنی (۱۸۸۵-۱۹۴۰) نیز از جمله شاعرانی است که توانست نقش مهمی در فراهم کردن زمینه در عرصه شعر و ادب برای دفاع از وطن و پرداختن به آرزوها و دردهای آن داشته باشد؛ چون با امتزاج حس و فکر توانست آگاهی عمومی و اجتماعی مردم را نسبت به حوادث فلسطین و توطئه های پشت پرده استعمار و استبداد را فراروی مردم بگشاید.» (ثریا، ۱۹۷۰: ۶).

در میان شاعران این دوره شاعرانی چون «ابراهیم توقان» و «عبدالرحیم محمود» و «ابوسلمه» بر خلاف شاعران پیشین نشان دادند که از شخصیت ادبی کامل تر و محکم تری برخوردارند. آن ها گوشه هایی از مسأله فلسطین را در آثار خود منعکس کردند.

پس از سال ۱۹۴۸ و ایجاد دولت اسرائیل، زندگی فلسطینی ها به تباهی و اضمحلال کشیده شد، و این تراژدی موضوع ادبیات فلسطین شد و پس از شکست ژوئن ۱۹۶۷ شعر مقاومت فلسطین موضوع بسیاری از مطالعات و مقالات قرار گرفت.

ناقدان معاصر عرب بر این باورند که مهم ترین بازده ادبی جنگ اعراب و اسرائیل پیدایش ادبیات مقاومت فلسطین است. در سال ۱۹۶۶ «غسان کنفانی» رمان نویس معروف کتاب «أدب المقاومة فی فلسطین المحتله» را منتشر ساخت. و ادبیات مقاومت را برای خوانندگان داخل و خارج از فلسطین معرفی کرد.

در سال ۱۹۶۸ «یوسف الخطیب» شاعر فلسطینی مقدمه ای انتقادی بر یک مجموعه شعر نوشت. این مجموعه در بر گیرنده اشعار آن دسته از شاعران غرب است که پس از سال ۱۹۴۸ در سرزمین های تحت کنترل اسرائیل زندگی می کردند.

نویسنده در این کتاب به انتقاد از اشعار شاعران فلسطینی ساکن اسرائیل از سال ۱۹۴۸ تا جنگ ژوئن ۱۹۶۷ می پردازد. (سلیمان، ۱۳۷۶: ۴۹).

حسام خطیب در مقاله‌ای با عنوان « مشروع منهج متكامل لدراسة الأدب العربي الفلسطيني الحديث » ادبیات فلسطین را به چهار دوره زمانی تقسیم می کند:

- ۱- دوره اول یا شروع (اواخر سده نوزدهم تا اوایل سده بیستم)،
- ۲- دوره نهضت تا شکست (اوایل سده بیستم تا شکست ۱۹۴۸)،
- ۳- دوره شکست (از ۱۹۴۸ تا اواسط دهه شصت)،
- ۴- دوره انتفاضه و بازگشت خود آگاهی (از اواسط دهه شصت تا زمان حاضر، ۲۰۰۲: ص ۱۷۵).

شعر انقلاب فلسطین از نظر بیشتر شاعران و ناقدان ادبی ، شعر انقلابی متعهد در قبال مسایل مردی است که خود رکن اصلی انقلاب به شمار می رود. شعر انقلاب فلسطین جزیی از انقلاب مسلحانه آن است. زیرا انقلاب مسلحانه فلسطین با مشارکت ادب و هنر شکل گرفته و شعر مبارزه فلسطین، شعر مردم انقلابی این سرزمین است، و حامی پیامی تازه برای همه شاعران انقلابی عرب که کلمه را وسیله تحول بنیادی فرهنگ عربی برای توده های مردم و نه برای گروهی منتخب قرار داده اند. با چنین تعبیری شعر مقاومت فلسطین شعری انقلابی به مفهوم کلی انسانی آن است. (رجایی، ۱۳۸۲: ۱۵۰).

۴- ابراهیم طوقان شاعر مقاومت فلسطین

ابراهیم طوقان از شاعران برجسته دهه های بیستم و سی ام قرن بیستم میلادی است. در سال ۱۹۰۵ در خانواده ای دوستدار علم و ادب در نابلس به دنیا آمد. در سال های ۱۹۱۴-۱۹۱۸ در مدرسه «الرشیدیة» که یکی از بهترین مدرسه های آن زمان بود، تحصیلات ابتدایی خود را به پایان برد. این مدرسه با دیگر مدرسه های حکومت عثمانی تفاوت داشت؛ چون معلمانش دانش آموخته دانشگاه الازهر مصر بودند و با نهضت ادبی جدید و شعر نو مصر آشنایی کامل داشتند و دانش آموزان را با شعر نوی نهضت ادبی آشنا می کردند. شاعر در این دوره با شعر احمد شوقی، حافظ ابراهیم و خلیل مطران آشنا شد.

مرحله دوم تحصیلاتش را در بین سال های ۱۹۱۹-۱۹۲۳ در مدرسه مطران در قدس کامل کرد. در همین سال ها بود که شعر گفتن را آغاز کرد.

در سال ۱۹۲۳ در دانشگاه آمریکایی بیروت مشغول به تحصیل شد و در سال ۱۹۲۹ فارغ التحصیل شد. در این مدت روزنامه های لبنان شعر های او را چاپ می کردند. در سال ۱۹۲۴ قصیده مشهورش را با عنوان « ملائكة الرحمة » سرود و توجه همگان را به خود جلب کرد؛ به گونه ای که روزنامه های لبنان لقب « شاعر الجامعة » را به او دادند.

در دانشگاه با ادیبان و شاعران معروفی چون حافظ جمیل از عراق و وجیه البارودی از سوریه و عمر فروخ از لبنان که بعدها زندگی نامه ابراهیم طوقان را نوشت آشنا شد و در سال ۱۹۲۶ با همکاری این سه نفر انجمن « دار الندوة » را تأسیس کرد. بعد از دانشگاه در بین سال های (۱۹۲۹-۱۹۳۱) در مدرسه « النجاج » نابلس به معلمی پرداخت. در این مدت قصیده مشهورش با عنوان « الثلاثاء الحمراء » را در یاد بود « فؤاد حجازی، محمد جمحومف عطا الزیر » که در سال ۱۹۳۰ اعدام شدند، سرود.

در سال های ۱۹۳۰-۱۹۳۲ در گروه زبان عربی دانشگاه آمریکایی بیروت مشغول به کار شد. ولی به دلیل بیماری از تدریس کناره گیری کرد، در این مدت قصیده های فراوانی سرود و با « نیکل » شرق شناس که به عنوان استاد مدعو در دانشگاه مشغول تدریس بود، آشنا شد و در تصحیح کتاب « الزهرة » اثر ابن داوود اصفهانی با او همکاری کرد. سپس از دانشگاه استعفا داد و به فلسطین بازگشت و به تدریس در مدرسه « الرشیدیة » پرداخت و بعد از آن به مدت ۲ سال در شهرداری نابلس مشغول به کار شد.

در سال ۱۹۳۶ مدیر گروه عربی رادیو قدس شد و به مدت ۴ سال در این شغل باقی ماند و در همین مدت با یکی از همکارانش به نام « سامیه عبد الهادی » ازدواج کرد که حاصل آن دو فرزند به نام « جعفر » و « عریب » بود. سپس در سال ۱۹۴۰ از رادیو قدس استعفا داد.

بعد از استعفا به عراق مسافرت کرد تا در « دارالمعلمین » تدریس کند، ولی بعد از ۲ ماه به خاطر شدت گرفتن بیماری اش به وطن بازگشت و در بیمارستان بستری شد تا اینکه در سال ۱۹۴۱ از دنیا رفت. (بکار، ۲۰۰۴: ۷-۸، ۸۰-۸۱ و الخضراء الجبوسی، ۲۰۰۱: ۳۵۴-۳۵۶ و المحاسنی: ۱۰ و بعد از آن).

مقاله فدوی طوقان خواهر ابراهیم طوقان با عنوان « أخی ابراهیم » که برای اولین بار در شماره ششم مجله « الثقافة العامة » که در « یافا » منتشر می شد، به چاپ رسید،

هنوز یکی از اصلی ترین منابع شرح حال زندگی شاعر است. فدوی طوقان با این نوشته توانست زندگی شاعر را به ویژه در پیوند با مسئله فلسطین و شعر مقاومت به خوبی به تصویر کشد. علاوه بر نوشته های خواهرش خاطرات دوستان و گفته های هم کلاسی هایش و شاعران و نویسندگان در مورد شاعر و خانواده اش گوشه های مهمی از زندگی و شخصیت شاعر را نمایان ساخت (ر.ک: طوقان، ۱۹۷۵: ۷).

دیوان ابراهیم طوقان بارها توسط انتشارات گوناگون چاپ شده است. دارالشرق الجدید (بدون تاریخ) و دارالقدس ۱۹۷۵، دارالعودة ۱۹۸۸، المؤسسة العربیة للدراسات و النشر ۱۹۹۳، مؤسسه جائرة عبدالعزیز سعود الباطین للابداع الشعری در کویت ۲۰۰۲، با عنوان « ابراهیم طوقان: الأعمال الشعریة الکامله» دیوان ابراهیم طوقان را چاپ کردند. چاپ اخیر از کامل ترین چاپ های دیوان ابراهیم طوقان است، علاوه بر دیوان، ابراهیم طوقان مقاله ها و نامه هایی دارد که المتوکل طه برای بار اول در سال ۱۹۹۲ در ضمیمه پایان نامه کارشناسی ارشدش با عنوان « دراسة فی شعره» در داراللوئیس عمان به چاپ رساند و سپس در سال ۱۹۹۴ در نابلس با عنوان « الساخرو الجد» تجدید چاپ شد و در سال ۱۹۹۸ ملحق پایان نامه در انتشارات « مؤسسه الأسود» در عگا با عنوان « الکنوز مالم يعرف عن ابراهیم طوقان» به چاپ رساند و در سال ۲۰۰۰ نامه های ابراهیم طوقان به خواهرش را جداگانه « هذا ما لزم» در انتشارات « بیت الشعر» رام الله منتشر ساخت.

فعالیت شعری ابراهیم طوقان با سرودن قصیده « ملائکه الرحمه» در سال ۱۹۲۴ شروع می شود و تا آخرین سال های حیاتش ادامه دارد. به سبب روحیه مبارزه طلبی ای که داشت، سروده های فراوانی در دیوان او یافت می شود؛ مانند: « نشید بطل الریف عبدالکریم الخطای» (۱۹۲۴) و « وداع» در وفات دوستش شیخ سعید تقی الدین (۱۹۲۶) و « نشید البراق» (۱۹۲۹) و « وطنی أنت لی» (۱۹۲۹) و « فتیة المغرب» (۱۹۲۹) و « نشید فلسطین» (۱۹۲۹) و « موطنی» و « العمل» تاریخ این دو قصیده معلوم نیست و « نشید رثاء» (۱۹۳۹) و « أسواق الحجاز» (۱۹۳۹).

موضوع های شعری ابراهیم طوقان بیشتر در دو زمینه وطن و زن است و در موضوع غزل و وصف و رثا و فخر در قالب سنتی شعر قدیم سروده است. فدوی طوقان مقاله معروفش با عنوان « أخی ابراهیم» شعر او را به سه قسمت تقسیم می کند: غزلیات، وطنیات و موضوعیات و بر این باور است که نوع اخیر از اندیشه ای عمیق و تصویری دقیق برخوردار است و به ویژه سه قصیده « الشهید» « الفدائی» و « الحبشی

الذبیح» که در حد و اندازه های شعر جهانی است. قصیده «مصرع بلبل» که به تأثیر از قصیده «بلبل و گل» اوسکار وایلد سروده شده، نمونه از قصه های شعری و در نوع خود فتح بابی برای نوع ادبی «القصه الشعریه» در شعر معاصر فلسطین است (أبوهیف، موقع اتحاد الکتاب العرب).

اشعار میهنی ابراهیم طوقان در حقیقت سند زنده مراحل مبارزه ملت فلسطین است. شاعر از موضوعات سیاسی برای سرودن شعر استفاده می کند؛ در شعرش به بریتانیای کبیر حمله می کند، معاهده «بالفور» را ننگین می شمارد، فروشندگان و دلالان زمین را سرزنش می کند، به نظام رهبری سنتی نجبا حمله می برد، عدم وفاداری رهبران سیاسی به مردم را مورد نقد قرار می دهد و حتی به بی تفاوتی شاعران عرب زبان هم عصر خود در زمینه مسئله فلسطین می تازد. و آنان را به هم صدایی و همراهی با مردم فلسطین دعوت می کند. خلاصه سخن این که تاریخ فلسطین در شعر ابراهیم طوقان جریان دارد و می توان با بررسی شعر این شاعر تاریخ فلسطین را بار دیگر مورد مطالعه قرار داد.

ابراهیم طوقان نه تنها برای آرمان فلسطین شعر می سراید، بلکه دیگران را نیز به این کار فرا می خواند. در تشرین سال ۱۹۲۸م به مناسبت دیدار احمد شوقی از فلسطین، قصیده ای می سراید و احمد شوقی را به سرودن شعری درباره فلسطین بر می انگیزد. (مقدمه دیوان، ص ۹۵).

۵- شهید و جانباز در شعر طوقان

یکی از موضوعات شعری ابراهیم طوقان، شهید و جانباز است. شهید و جانباز در دیوان ابراهیم طوقان جایگاه ویژه ای دارد، به طوری که در قصاید زیادی به طور مستقیم یا غیر مستقیم درباره این موضوع سخن گفته است. به طور کلی قصایدی که در دیوان شاعر درباره شهید و جانباز دیده می شود، بدین قرار است:

۱. قصیده «ذکری دمشق» (دیوان، ص ۶۳).

۲. قصیده «البلد الکئیب» (دیوان، ص ۱۱۸).

۳. قصیده «الثلاثاء الحمراء» (دیوان، ص ۱۴۰).

۴. قصیده «الشریف حسن» (دیوان، ص ۱۷۵).

۵. قصیده «الشهید» (دیوان، ص ۱۹۷).

۶. قصیده «فلسطین مهد الشهداء» (دیوان، ص ۲۰۰).

۷. بعضی از قصاید رثایی که در مورد شهید است، ولی نام شهید ذکر نشده است؛ مانند رثاء الشیخ سعید الکریمی که به دست جمال پاشای خونریز اعدام شده است (دیوان، ص ۲۲۵).

۸. قصیده «شریعة الاستقلال» (دیوان، ص ۲۲۸).

۹. قصیده «الخالدون» (دیوان، ص ۲۳۵).

پیش از تحلیل اشعار مذکور، یادآوری این نکته ضروری است که در میان اشعاری که ابراهیم طوقان درباره شهید و جانباز سروده است، قصیده «الشهید» به طور ویژه در مورد شهید و قصیده «الفدایی» به طور ویژه در مورد جانباز است؛ ولی ناگفته پیداست که در همه این اشعار، شهید از جانباز قابل تفکیک نیست؛ زیرا شهید پیش از رسیدن به درجه شهادت جانبازی جان بر کف بوده است و هر جانباز با تمام وجود به سوی شهادت در حرکت است. ممکن است به درجه شهادت برسد و یا نرسد. پس در این بحث لازم نیامد سخن درباره شهید از جانباز جدا شود و ویژگی هر کدام به طور مجزا ذکر گردد.

ابراهیم طوقان شعر «ذکری دمشق» را به مناسبت شهادت احمد مریود یکی از مجاهدان فلسطینی سروده است. این قصیده از هشت بخش تشکیل شده است. شاعر در بخش نخست، حالت شهید را هنگام شهادت توصیف می کند. احمد مریود هنگام شهادت با دلی آرام چشم بر هم نهاده و با روحی آزاد چونان کبوتری به سوی محبوب پرکشیده است. بالای سرش فرشته ای خندان بال‌هایش را به حرکت در آورده است. ساقیان بهشتی جام‌های شراب ناب را به او تقدیم می کنند و زخم‌های او را شست و شو می دهند. دسته‌هایی از حوریان بهشتی اطراف او می چرخند و پرنده‌گان بهشتی دل‌انگیزترین نغمه‌ها را اطراف او می سرایند. در آن حال شهید بیدار گشته و با آرامش از نعمت‌های خداوند بخشایشگر سپاسگزاری می کند. او بر تختی نشسته و فرشتگان شراب ناب جاودانی را به او می نوشانند.

در بخش دوم قصیده، انواری از جانب خداوند تجلی می کند. همه حاضران در مقابل آن به سجده می افتند. آن انوار به شهید سلام می دهند و به او می گویند: «ای شهید تو هرگز فناپذیر نخواهی بود، خداوند از جهاد تو خرسند است، تو در بالاترین مرتبه بهشت جاودان بمان. مقام شهید آن چنان بالاست که هر شخص استوار ایمانی نسبت به آن رشک می برد.» (دیوان، ص ۶۳).

در بخش سوم، شاعر از خداوند طلب مغفرت کرده و حالت خویش را پس از شهید بیان می کند.

در بخش چهارم، شهر دمشق را با مکان‌های سرسبز به تصویر می کشد و به آن افتخار می کند.

در بخش پنجم، دمشق را مورد خطاب قرار داده و می گوید: تو در پناه خدا هستی و این جوانان با عزم و اراده استوار و شهادت طلبی خویش هرگز تو را به استعمارگران نخواهند سپرد. (دیوان، ص ۶۴).

در بخش ششم، حالت نبرد فرزندان دمشق با اسرائیل غاصب را به تصویر می کشد. در بخش هفتم، خطاب به فرانسه می گوید: این جوانان شهادت طلب می توانند به منزله طیبانی دردهای کشور خویش را معالجه کنند و در طلب حق هرگز سست اراده نگشته و از پای نخواهند نشست (دیوان، ص ۶۵).

شاعر در بخش پایانی قصیده، روح شهید را مورد خطاب قرار می دهد و از او می خواهد که از فلسطین دیدن کند و دردهای سینه فلسطینی ها را درمان نماید. او شهید را عاشقی خطاب می کند که در همه عرصه ها پیروز است. در پایان همه فلسطینی ها را به تقوای الهی دعوت کرده و از آنان می خواهد نهضت شام و کینه توزی دشمنان را همیشه به یاد داشته باشند (دیوان، ص ۶۶).

قصیده «الکئیب» خطاب به فلسطین به مناسبت حمله اشغالگران است. در این قصیده، شاعر فلسطین را سرزمینی غمزده و افسرده معرفی می کند و خطاب به بالفور می گوید: «ای بالفور جام شراب تو از خون شهیدان است نه از آب انگور». سپس وطن خود را خطاب قرار داده و به آن بشارت می دهد که خواب از چشمان فرزندان این سرزمین رخت بر بسته و آنان همچنان به پیش می روند و از مرگ در راه آزادی وطن نمی هراسند (دیوان، ص ۱۱۸).

قصیده «الثلاثاء الحمراء» به مناسبت شهادت سه تن از مجاهدان فلسطینی: فؤاد حجازی، محمد جمجوم و عطاء الزیر سروده شده است. زمان شهادت آنان روز سه شنبه تابستان سال ۱۹۲۹م. بوده است؛ به همین سبب، عنوان قصیده «سه شنبه سرخ» قرار داده شده است.

ابراهیم طوقان در این قصیده درباره مقام شهید می گوید: «هیچ یک از کسانی که به وطن خود خدمت می کنند، به مقام شهید نمی رسند. پیکرهای آنان در خاک وطن و روح‌هایشان در جنت رضوان است. هیچ کس نمی تواند وطن گرانقدر را از

چنگال اشغالگران نجات دهد، مگر شهید و کسی که در راه شهادت جان بر کف باشد.» (دیوان، ص ۱۴۰).

قصیده «الشریف حسین» به مناسبت شهادت الشریف حسین در قبرص سروده شده است. شاعر این شهید را به امام حسین بن علی (ع) تشبیه می‌کند که در کربلا به شهادت رسیده است. در بیت پایانی قصیده می‌گوید: «جام شربت شهادتی که در قبرص نوشانیده شده، تقریباً همانند جامی است که در کربلا به حسین بن علی (ع) نوشانیده شده است.» (دیوان، ص ۱۷۵).

قصیده «الشهید» گرانیگاه مبحث شهید و شهادت در دیوان ابراهیم طوقان است. شاعر در این قصیده سخنش منحصر به شهید است و به طور مشروح ویژگی‌های او را بیان می‌کند. او با وصف دقیق و تصویر زیبای خویش ما را به سوی عواطفی رهنمون می‌سازد که در درون شهید برانگیخته شده است. با دریافت آن عواطف درمی‌یابیم که شهید به دنبال شهرت نیست و نمی‌خواهد اسمش بر سر زبان‌ها افتد؛ در حقیقت، عنصر فدا شدن که جوهره آن کرامت است وجود شهید را ساخته است، پس به دنبال آن، مرگ در راه خدا برایش آسان می‌شود.

آنگاه که مصایب در برابر انسان رو درهم می‌کشند، شهید لبخند می‌زند و آنگاه که ترس به اوج می‌رسد، او وارد معرکه می‌شود. او خویشتندار و خردمند، دریادل و دارای گام‌های استوار است. هیچ اذیت و آزاری او را از هدفش باز نمی‌دارد، نفسش در گرو همتش است؛ همتی که همت‌های دیگر در مقابلش ساکت می‌شوند. او از عنصر جانبازی و از جوهر کرامت است. پاره آتشی از حق است که امت‌ها را نجات می‌دهد. در راه حق حرکت می‌کند. برایش مهم نیست که در بند باشد یا دست بسته. او تنها در گرو اراده استوار خویش است. ممکن است مرگ بر او حمله ور شود، ولی او همواره در گرو زندان است. پس از مرگ با اشک همراهی نمی‌شود و چه بسا بدون کفن به خاک رود. نپرس که جسمش کجاست، نامش همواره در دهان روزگار است. او ستاره هدایت است که در تاریکی‌های غم و اندوه سرزده است. او نور را به چشم‌هایی فرستاده است که آن چشم‌ها دیگر خواب را نشناسند. او آتش به دل‌ها فرستاده تا آن دل‌ها دیگر کینه را نشناسند. در پایان قصیده چه با شکوه می‌سراید:

«کدام چهره است که تکبیر گویان وارد آبشخور مرگ شود و روح خویش را به عالم علوی گسیل داشته تا برای جهانیان آواز سر دهد که: "من برای خدا و وطن هستم"» (دیوان، ص ۱۹۷).

قصیده «الفدایی» شعری است که ابراهیم طوقان آن را به طور ویژه در تاریخ نهم حزیران سال ۱۹۳۰م. برای جانباز سروده است. مناسبت این قصیده این است که حکومت دست نشانده، شخص یهودی انگلیسی تباری را به عنوان نایب خود در فلسطین تعیین می کند. او با قوانین ستمگرانه خویش هر مکر و حيله ای را برای به رنج انداختن عربها به کار می برد. آنگاه که عرصه بر همه تنگ می شود، جوانی از انقلابیون فلسطینی به عنوان اعتراض به طور آشکارا به مرکز حکومت غاصب حمله ور می شود.

جانباز جان بر کف از دیدگاه ابراهیم طوقان شخصی است که در راه رسالتی که بر دوش دارد، خود را به قلب سپاه دشمن زده و هرگز ترس به خود راه نمی دهد. نیازی نیست دیگران نگران سلامتی او باشند، چون او جان بر کف است. در راه دفاع از میهن و امتش سر بر بالش راحت نمی گذارد، بلکه همچنان جامه شهادت بر تن دارد و آماده فداکاری است. او ساعت و لحظه ای را انتظار می کشد که پس از آن هول و هراس قیامت است. (همیشه در انتظار شهادت است تا با شهادت خویش همه ترسها و هراسهای قیامت را از میان بردارد و سرفراز و پاک از گناه در سایه رحمت جاودانی خدای تعالی آسایش و عزت همیشگی را به دست آورد.) هر کس او را ببیند، سر به زیر می افکند و در رفتار شگفت آور این جانباز به فکر و اندیشه فرومی رود. درون سینه او قلب تپنده ای است که با هدف و آرمانش بسی روشن و شعله ور است. هر کس تاریکی شب را مشاهده کند که چگونه از شراره خشم بر دشمنان ملت برافروخته می گردد، درمی یابد که دوزخ مقداری از وظیفه و رسالتش را که هلاک نمودن دشمنان خداست، بر دوش او نهاده است. او بر در خانه خود ایستاده و عازم حرکت به سوی دشمن است، درحالی که مرگ از او هراسان است. ای طوفانهای سخت که از شجاعت او شرمنده اید، آرام بگیرید. او ساکت و خاموش است و اگر زبان به سخن گشاید، آتش و خون از دهان بیرون دهد. به کسی که سکوت او را عیب می شمارد، بگو که حزم و دور اندیشی در برابر بردباری و پایداری و سکوت او، گویی گنگ و لال آفریده شده است. او اهل عمل است، پیش از آنکه حرف بزند، دستش عمل می کند و همواره کارش بر گفتارش پیشی می گیرد. هرگز او را در

مورد رفتارش ملامت نکنید. او راه حق را تاریک دیده است و مشاهده می کند که سرزمین محبوبش در حال ویرانی است. و آسمان را مشاهده می کند که از تجاوز و سرکشی دشمنان به ناله درآمده است. زمان می گذرد، نزدیک است نومییدی او را از پای درآورد؛ ولی او با اراده استوار خویش بر نومییدی غلبه می کند.

۶- ویژگی های شهید و جانباز در شعر طوقان

از تحلیل اشعاری که درباره شهید و جانباز در دیوان ابراهیم طوقان آمده است،

شخص شهید یا جانباز دارای این ویژگی هاست:

- دل آرام است؛ گویی بسان کبوتری سپید به سوی محبوب پر می کشد.
- فرشتگان و بهشتیان در خدمت اویند.
- در هر حال سپاسگزار خداوند است.
- نور خداوندی به او خوشامد گفته و او را جاودانی می داند که هرگز فناپذیر نخواهد بود.
- هیچ شخص با ایمانی هرچند به خوبی انجام وظیفه کند، به مقام او نمی رسد.
- عاشقی است که در همه عرصه ها پیروز است.
- هیچ هراسی در دل ندارد و هیچ عاملی اراده او را سست نمی گرداند.
- از حسین بن علی بن ابی طالب (ع) پیروی می کند.
- عاطفه صادق خویش را به دیگران منتقل می کند و مخاطبان را برمی انگیزد.
- وقتی در اثر مصایب و مشکلات همه مردم به ستوه می آیند، او لبخند می زند.
- خویشتندار، خردمند، دریادل و دارای گام های استوار است.
- نامش همواره در دهان روزگار است.
- ستاره هدایت است که در تاریکی های غم و اندوه سر زده است.
- نوری به سوی چشم ها می فرستد و خواب را از آنها می گیرد. آتشی به دل ها می فرستد و دل ها از کینه تهی می شوند.
- خودش را وقف خدا و وطن کرده است.
- نیازی نیست دیگران نگران سلامتی او باشند، زیرا او جان بر کف است.
- از هیچ عاملی نمی ترسد و در سایه رحمت جاودانی خدای متعال آسایش و عزت همیشگی را به دست می آورد.

- هر کس او را مشاهده کند، از هیبتش سر به زیر می افکند.
- گویی که دوزخ بخشی از رسالت او نسبت به دشمنان خداست.
- مرگ از او هراسان است.
- اهل عمل است، گفتار بدون کردار از او سر نمی زند.
- اگر نومیدی به سویش آید، بر نومیدی غلبه می کند.
-

۷- نتیجه

با بررسی ادبیات مقاومت به طور عام و ادبیات مقاومت فلسطین به طور ویژه و نظر به زندگی و شعر ابراهیم طوقان و تحلیل اشعار او درباره مقاومت و شهید و جانباز به این نتایج دست یافتیم:

۱. از آنجایی که حیات واقعی و رشد یک ملت به مقاومت در برابر ستم و تعدی وابسته است، تا این مقاومت باقی است، ادبیات مقاومت نیز جهت تشویق مردم به نجات و دفاع از ارزش‌های اعتقادی و ملی در برابر مهاجمان لازم است.

۲. چون دیر زمانی است که ملت ستمدیده فلسطین مورد سخت‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین تهاجم قرار گرفته و از سرزمین خویش آواره گشته‌اند، ادبیات مقاومت فلسطین میراث بسیار ارزنده‌ای است که لازم است ارج نهاده شده و تا این مقاومت باقی است، بالندگی ادبیات مقاومت فلسطین نیز لازم است و این رسالت بر دوش ادبای متعهد است.

۳. بررسی و تحلیل شعر شاعرانی مانند ابراهیم طوقان به ویژه اشعار کلیدی و مهم وی از اهمیت خاصی برخوردار است و به حفظ کرامت انسانی و سوق دادن انسان‌ها به سوی پاکی و خویشتنداری تشویق می‌کند.

۴. هشت درصد از اشعار ابراهیم طوقان درباره شهید و جانباز است و چون شهید و جانباز از عناصر اصلی و تأثیرگذار مقاومت و حیات طیه هستند، دانستن ویژگی‌های آنان به ویژه از زبان شاعری که از ابتدای زندگی تهاجم و ستم را با تمام وجودش احساس کرده است، اهمیت بیشتری دارد.

۵. ویژگی‌های شهید و جانباز از یکدیگر جدا نیستند؛ زیرا هر شهید پیش از شهادت جانباز بوده و هر جانباز با تمام وجود به سوی شهادت پر می‌گشاید و این ویژگی‌ها بهترین پیام برای انسان‌هایی است که مشتاقند کرامت انسانی خود را حفظ کنند.

کتابنامه

۱. أبو هیف، عبدالله؛ أربعون عاماً علی وفاة إبراهيم طوقان إشارات حول الشاعر و الوطن و النقد؛ موقع اتحاد الكتاب العرب. www.awu-dam.Net.
۲. ایزدیناه، عباس؛ (۱۳۸۲) **خاستگاه و سبک شناسی ادبیات مقاومت**؛ حضور، تهران، شماره ۲۸.
۳. بکار، یوسف؛ (۲۰۰۴) **إبراهیم طوقان أضواء جديدة**، الطبعة الأولى، بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
۴. تندرو صالح، شاهرخ؛ (۱۳۸۲) **ادبیات جنگ و موج نو**، تهران: فرهنگ سرای پایداری.
۵. ثریا، ملحس؛ (۱۹۷۰) **الأدب الفلسطيني المعاصر فی المعركة**، دون المطبعة، دون منشورات.
۶. حسام پور، سعید و حاجی، أحمد، (۱۳۸۷)؛ **سهم ادبیات پایداری در کتاب های درسی**؛ نامه پایداری، مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری، کرمان، به کوشش احمد امیری خراسانی، ۱۳۸۴، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
۷. الخضراء الجیوسی، سلمی؛ (۲۰۰۱) **الاتجاهات و الحركات فی الشعر العربي المعاصر**؛ الترجمة: عبدالواحد لؤلؤة، الطبعة الأولى، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربية.
۸. الخطیب: حسام؛ (۲۰۰۲)، **مشروع منهج متكامل لدراسة الأدب الفلسطيني الحديث**؛ مجلة نزوی، اردن، یولیو، العدد ۳۱.
۹. داد، سیما؛ (۱۳۸۳) **فرهنگ اصطلاحات ادبی**؛ تهران: مروارید.
۱۰. رجائی، نجمه؛ (۱۳۸۲) **شعر و شرر**، چاپ اول، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۱۱. سعد قنديل، ابراهیم؛ (۲۰۰۴) **من صور المقاومة فی الشعر العربي القديم**، الأسبوع الأدبی، دمشق، العدد ۹۰۱، ۲۰۰۴/۴/۳.
۱۲. سلیمان، أ. خالد؛ (۱۳۷۶) **فلسطين و شعر معاصر عرب**؛ ترجمه: شهره باقری و عبد الحسین فرزاد، چاپ اول، تهران: نشر چشمه.
۱۳. صدوق، راضی؛ (۲۰۰۰) **شعراء فلسطين فی القرن العشرين**؛ بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
۱۴. طوقان، ابراهیم؛ (۱۹۹۳) **الأعمال الشعرية الكاملة**؛ مقدمة: فدوی طوقان، الطبعة الثالثة، المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
۱۵. طوقان، ابراهیم؛ **دیوان ابراهیم طوقان**، بیروت: دارالقدس.
۱۶. فضیلت، محمود، (۱۳۸۷) **جامعه شناسی ادبیات پایداری**؛ نامه پایداری، مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری، کرمان ۱۳۸۴، به کوشش احمد امیری خراسانی، تهران: بنیاد و حفظ و نشر ارزش های دفاع مقدس.
۱۷. المحاسنی، زکی؛ **ابراهیم طوقان شاعر فلسطين فی حياته و شعره**، الطبعة الجديدة، القاهرة: دارالفکر.